

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال ششم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۲-شماره پیاپی ۲۲

## تحقیقی در اشعار نویافته‌ی خواجه نصیر الدین طوسی

(ص ۳۲۹-۳۴۳)

الیاس نورایی<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، سهیل یاری گل‌دَرّه<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۹۲/۱۱/۲۶

### چکیده

یکی از بایسته‌ترین و شایسته‌ترین کارها در حوزه پژوهش‌های ادبی، تحقیق در منابعی همچون سفینه‌ها، جُنگها و مجموعه‌ها و.. برای یافتن سروده‌های شاعرانی می‌باشد که از بد حادثه دیوان اشعار آنها از میان رفته است و یا دیوان مدوئی از آنان در دست نیست. پس از این مرحله است که میتوان به درستی درباره سروده‌ها و سبک آن نظر داد و احیاناً به زوایای پنهانی از زندگانی آنان دست یافت. یکی از آن دسته شاعران فاضل و علامه ذو فنون خواجه نصیر الدین طوسی است. از خواجه دیوانی در دست نداریم، لکن با تحقیق در منابع گوناگون خطی و چاپی میتوان به بخشی از سروده‌های وی دست یافت. آنچه که در این مقاله خواهد آمد اشعار نویافته‌ای است که با بررسی و تتبع منابع خطی کهن و نسبتاً کهن به آن دست یافته‌ایم. در برخی موارد اشعاری از خواجه که در این مقاله آمده نوعاً در تحقیقات پیشین نیز دیده میشود اما از آنجا که منابعی که ما آن دسته از اشعار را از آن نقل کرده‌ایم منابعی معتبر و کهنه‌ای است شایسته دانستیم که آنها را نیز برای فایده بیشتر در اینجا بیاوریم.

**کلمات کلیدی:** خواجه نصیر، اشعار فارسی، سفینه‌ها، جُنگها

<sup>۱</sup>- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه. nooraie@razi.ac.ir

<sup>۲</sup>- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی همدان.

## مقدمه

استاذ البشر، خواجه نصیر الدین طوسی بیشک از شگفتیهای علمای روزگاران است، او در تاریخ علوم ایرانی و اسلامی جایگاهی بس بلند دارد. در نیمهٔ دوم قرن ششم در طوس زاده شد و در سال ۶۵۷ در بغداد درگذشت (الوافی بالوفیات، صفی: ج ۱/۱۵۰)، دربارهٔ شخصیت برجستهٔ او و حوادث روزگاران وی و اقدامات مهم و اساسی به تفصیل سخن گفته‌اند. یکی از ابعاد علمی آن علامه بی‌نظیر تأملات و تفننات ادبی اوست. کتاب مستطاب «معیار الأشعار» برای نمودن میزان تبحر او در نقد الشعر و عروض بسنده است. گذشته از آن، از شاعر بودن وی نیز نمیتوان به راحتی گذشت. اشعار نسبتاً قابل توجهی که از وی به جا مانده است حاکی از طبع موزون اوست، تقریباً از همان عصر خودش اشعارش در سفینه‌ها ثبت و ضبط شده و امروزه پاره‌ای از آنها در اختیار ما قرار گرفته است. آنچه که این تحقیق در پی بررسی آن می‌باشد بیان این مسئله است که نخست شاعر بودن وی را با توجه به منابعی که اثبات کند، و به این سؤال پاسخ بدهد که آیا اشعار خواجه نصیر همان تعداد سروده‌های است که در برخی تذکره‌ها و کتب چاپی به وی نسبت داده شده یا اینکه آیا باز هم میتوان به یاری منابع کهنتر سروده‌های دیگری از وی را نیز نمایان کرد؟ در این تحقیق توانسته‌ایم که با تلاش بسیار و تحقیق در کثیری از سفینه‌ها و جُنگها به تعدادی سروده از وی دست یابیم که بیشتر آنها در تحقیقات هم‌نوع پیشین نیست، تعداد دیگری از آنها نیز که در کارهای انجام شده دیده میشود، در اینجا برای آنها منابع به نسبت کهنتری با ضبطهای متفاوتی عرضه شده است.

## پیشینه تحقیق

محققین ارجمندی با کوشش و تحقیق در منابعی گوناگون سروده‌های وی را در قالب مقاله و یا بخشی از کتابهای خود که دربارهٔ خواجه نصیر نوشته‌اند گردآورده‌اند. از جمله آن کارها میتوان به سه تحقیق ذیل اشارت کرد:

- **احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی**، استاد بزرگوار محمد تقی مدرس رضوی، زوآر، چاپ اول ۱۳۵۴، بنیاد فرهنگ ایران (مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی)، و چاپ دوم، اساطیر، ۱۳۷۰. صفحات ۵۹۸ تا ۶۲۸ این کتاب مستطاب به بحث دربارهٔ اشعار خواجه است. استاد در این بخش با بهره‌گیری از منابع متفاوت چاپی و بعضاً خطی اشعار خواجه را نقل کرده‌اند. به هر روی استاد رضوی در گردآوری اشعار خواجه فضل تقدم داشتند و ظاهراً بیشتر از ایشان کسی سروده‌های خواجه را در کتاب یا مقاله‌ای یکجا نیاورده باشد.

- **اشعار فارسی خواجه**، استاد سعید نفیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تیر ماه ۱۳۳۵ - شماره ۲۹، صص ۸۱-۷۴. استاد نفیسی در این مقاله ضمن یادکرد از کتاب

استاد مدرس رضوی متذکر شده‌اند که اشعار دیگری نیز در برخی سفینه‌ها و کتابها یافته‌اند که در کتاب استاد مدرس رضوی نیامده است. سپس آن سروده‌ها را نقل فرموده‌اند. نقل برخی از اشعار خواجه از پاره‌ای سفینه‌های کهن از مزایای تحقیق استاد نفیسی است. لکن متأسفانه در پاره‌ای موارد به صراحت نشانی منابعی را که از آن سروده‌های خواجه نصیر را نقل شده بیان نکرده‌اند. ضمن اینکه پاره‌ای از منابع ایشان جدید است و تا حدودی باید در اشعار منسوب به خواجه در این مأخذ با تردید نگریست.

**- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین طوسی** به انضمام مجموعه اشعار فارسی خواجه نصیر... معظمه اقبالی (أعظم)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰. صفحات ۹۱ تا ۱۴۶ به اشعار خواجه نصیر اختصاص یافته است. در این بخش از کتاب با توجه به تحقیقات استاد مدرس رضوی و استاد نفیسی- که روانشان شاد باد- و پاره‌ای از یافته‌های مؤلف محترم کتاب، اشعار خواجه نصیر یکجا آورده شده است. به گمان نگارندگان این سطور یکی از عیوبی که به این تحقیق وارد می‌باشد این است که در زیر هر سروده خواجه نصیر منبع را ذکر نکرده‌اند و در آغاز آن بخش منابع اشعار را آورده‌اند.

#### بحث و بررسی:

در اینکه خواجه نصیر اشعاری سروده باشد شک نیست، صفدی (متوفای ۷۶۴ق) چنین گفته است: «وله شعر کثیر بالفارسیه» (الوافی بالوفیات، صفدی، ج ۱/۱۴۹). پس از وی نیز دیگران به این مطلب اشارت کرده‌اند. در جنگ و سفینه‌هایی نیز که از اواخر قرن هفتم و پس از آن نگاشته شده است سروده‌هایی به نام خواجه نصیر آمده است که از شهرت اشعار وی حکایت می‌کند.

با وجود آن سه تحقیقی که در بالا گفته شد باز هم میتوان با کاوش در سفینه‌ها و جنگها و مجموعه‌ها و دیگر منابع سروده‌های دیگری را نیز به آن تحقیقات افزود. و یا اینکه در مواردی منابعی کهنتر برای برخی از سروده‌های خواجه نصیر که از منابع نسبتاً تازه نقل شده یادآور شد. نگارندگان ضمن سپاسگزاری از کارهای عزیزانی که سروده‌های پراکنده خواجه نصیر را در یکجا گردآورده‌اند، و با اعتراف به عدم استقصا و تتبع وافی و کافی در مأخذ- و البته به علت وجود محدودیتهایی- بر آن شد که پاره‌ای دیگر از سروده‌های خواجه را به قدر توان خویش از منابعی که نوعاً در تحقیقات پیشین- به هر سببی- مورد عنایت نبوده است در این مقاله بیاورند. ناگفته نماند که در برخی موارد اشعاری از خواجه را که در اینجا آورده‌ایم- گرچه در تحقیقات پیشین نیز آن اشعار دیده میشود- چون منابع متفاوت و کهنتری از برخی از سروده‌های خواجه یافته‌ایم خالی از فائدت نمی‌دانیم که آن را هم بیان کنیم.

۱- جنگ ۹۰۰ مجلس، اواخر سده هفتم و آغاز سده هشتم

در صفحات ۴۹۸-۴۹۷ این جُنگ ابیات زیر بدون تصریح به نام شاعر ذکر شده است:

صبح تا شب شراب نوشیدن	نبود مهتری چو دست رسد
یا ملوَن لباس پوشیدن	یا طعام لذیذ را خوردن
هر زمان بی سبب خروشدن	یا بر آن‌ها کی زیر دست تواند
گر توانی ز من نیوشیدن	من بگویم که مهتری چه بود
در مراعات خلق کوشیدن	دوستان را ز غم رهانیدن

در تحقیقات پیشین (شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین طوسی، اقبالی: ۱۳۴) چهار بیت از پنج بیت بالا و البته با تغییراتی، به نام خواجه نصیر چنین آمده است:

روز تا شب شراب نوشیدن	نبود مهتری چو دست رسد
یا لباس لطیف پوشیدن	یا غذای لذیذ را خوردن
گر توانی ز من نیوشیدن	من بگویم که مهتری چه بود
در مراعات خلق کوشیدن	غمگنان را ز غم رهانیدن

در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر جلد ۲ صفحه ۱۳۷ با تصریح به نام خواجه نصیر چهار بیت بالا نقل شده است.

## ۲- سفینه اشعار، سده هشتم

درباره این سفینه که از آن در نقل سروده‌هایی از خواجه نصیر بهره برده‌ایم چنین نوشته‌اند: «از لحاظ نوع خط و شکل‌گزینش اشعار و ترتیب مجموعه بسیار شبیه جُنگ شماره ۹۰۰ است. در دو جای این جُنگ (ص ۲۶ و ۲۶۵) تاریخ کتابتی به سال ۶۹۵ و به قلم «منصور بن کمال‌الدین حسینی» دیده می‌شود که هم خط آن متفاوت از خط متن است و هم مرگب آن. و احتمالاً کسی آن را بعداً برای کهنه جلوه دادن نسخه نوشته است. با این حال، از قراین برمی‌آید که نسخه مربوط به قرن هشتم است و شاید کاتبی که جُنگ ۹۰۰ را کتابت کرده است، این مجموعه را نیز کتابت کرده باشد.» (رباعیات خیام در منابع کهن، میرافضلی: ۱۱۴). در همین سفینه منظومه‌ای از خواجه آمده است، استاد نفیسی در مقاله «اشعار فارسی خواجه» صفحه ۷۶ اشاره به این منظومه کرده است و بیت اول آن را نیز نقل کرده اما متأسفانه سند! خود را ذکر نکرده است. به احتمال فراوان سند ایشان همین سفینه یا جُنگ ۹۰۰ مجلس بوده است. و از آنجا که در تحقیق خانم اقبالی نیز تمام اشعار آورده نشده است در اینجا آن منظومه را می‌آوریم:

«استاذ البشر نصیر الدین طوسی فرماید:

حمل:

جرم مه در خانه مریخ یعنی در حمل  
جامه پوشیدن حریر و صید افکندن به تیر  
(ص ۱۲)

تخم افکندن به باغ و نامه بنویشتن به دوست  
از جدل بگریختن و در خرّمی آویختن  
فصد کردن بد بود گرمابه رفتن همچنین  
(ص ۱۲)

بیع ترکان خطایی وه که چون باشد صواب  
هم توان نامه نوشتن هم توان انداخت تیر  
لیک ناخن چیدن و فصد و حجامت را خطاست  
(ص ۱۲)

جامه پوشیدن سفر کردن روا باشد در او  
نامه بنویشتن چه گویم کز همه بهتر بُود  
فصد و تزویج و بنای نو نهادن نیست نیک  
(ص ۱۳)

نیک باشد عهد بستن شغل بگرفتن دلیر  
وز برای تاجداران روی تخت آراستن  
لیک نو پوشیدن و جایی سفر کردن خطاست  
(ص ۱۳)

بر ره هامون شدن شاید همی با قافله  
خاص را تعلیم کردن عامیان را کشت و کار  
بد بود بد زرگری خاصه علاج فصد و عقد  
(ص ۱۳)

هم سفر هم عقد هم جوهر خری بی ترس و بیم  
خاصه بر بام سماع جانفزای چنگ و نی  
هرکه کاری کرد بیشک دید رنجی بیفرج  
(ص ۱۳)

هر مهی کاید به تأیید خدای لم یزل  
نیک باشد هم سفر هم دیدن روی امیر

### ثور:

ماه چون در ثور آید عقد کردن را نکوست  
خوبتر دیدار خاتونان و عطر انگیختن  
گرچه شاید ... بیع سمن رویان...

### جوزا:

چون فتن در برج جوزا جرم نور ماهتاب  
هم توان خواندن کتاب و هم توان دیدن امیر  
جامه پوشیدن سزا است و سفر کردن رواست

### اسرطان:

چون به سرطان اندر آید مه نکو باشد نکو  
داروی سهل اندر او خوردن عجب نیکو بُود  
میسزد گرمابه رفتن موی بستردن و لیک

### اسد:

ماه آهو بر چو جرم افکند اندر برج شیر  
فصد و کار آتش و حاجت ز شاهان خواستن  
بیع ترکان خطایی اندرو عین رضاست

### سنبله:

چون مه از برج اسد آید به سوی سنبله  
نو بریدن شاید و شاید از این بهتر دو کار  
خوش بود خوش بیع سیمن بر بتان سرو قد

### میزان:

مه چو در میزان بود نیکو بود یک ماه و نیم  
چامه‌ها پوشیدن و نوشیدن آنکه جام می  
لیک چون مه بگذرد از عقده هجده درج

**عقرب:**

خوردن دارو و رد کردن طعام از غرغره هم شدن گرمابه هم بر خصم بردن تاختن لیک دیگر کارها هرگز نباشد سودمند (ص ۱۴)

ماه چون در عقرب آید نیک باشد یکسره هم جراحت بست شاید هم معاجین ساختن اسب را شاید ریاضت دادن و ناخن فکند

**قوس:**

اولش تزویج و تعلیم آخرش قصد و شکار خاصه نو پوشد بر قاضی رود، سازد سچل گر کسی مسهل خورد بیشک عدوی خود بود (ص ۱۴)

ماه چون در قوس باشد نغز باشد چار کار هرکه بیع جوهران زر کند باشد خجل قرض دادن مو ستردن تخم کشتن بد بود

**جدی:**

جامه پوشیدن خوشست و صید کردن خوش‌ترست می‌نسازد چون عطارد را نظر باشد به ماه ابد بود بد دیدن شاهان و عقد و فصد را (ص ۱۴)

ماه چون در جدی شد کاریز راندن درخورست جادوی و ساحری را با خدا بردن پناه نیک باشد نیک دیدار بزرگان و ملوک

**دلو:**

هم سفر کردن خوشست و راندن آب روان بنده هندو خریدن یا نشانیدن درخت لیک نقل و فصد و تزویج زن دوشیزه نی (ص ۱۴-۱۵)

چون قمر در دلو باشد نیک باشد بیگمان نیک باشد نیک اگر یاری دهد اقبال و بخت حصن‌ها و قلعه‌ها شا[اید] درو کردن بنی

**حوت:**

فصد کردن دست را و پای را ناخن گرفت کوری چرخ کهن پوشیدن از نو چار چیز و آنچه در تن باشد آن را جمله پوشیدن به من (ص ۱۵)

چون قمر در حوت باشد نیک نبود بیشگفت لیک در وی نیک باشد دیدن اشراف تیز هم قبا و هم کلاه و هم کمر هم پیرهن

آقای رضا زاده ملک در مقاله‌ای منظومه بالا را از نسخه‌ای که مورخ ۷۲۳ ق است نقل کرده‌اند (قمر در عقرب، رضا زاده ملک: ۱۲۰)، سپس با توجه به بیت - که البته در سفینه مجلس نیست:

میسزد گر «فخر»، سازم بر فلک اکنون عروج

نظم شد زینسان به فال نیک احکام بروج

نوشته‌اند که: «چنانکه بیت آخر این منظومه، که ظاهراً به ملاحظه مرحوم سعید نفیسی نرسیده، حکایت میکند، این منظومه سروده شخصی به نام «فخرم یا «فخرالدین» است و

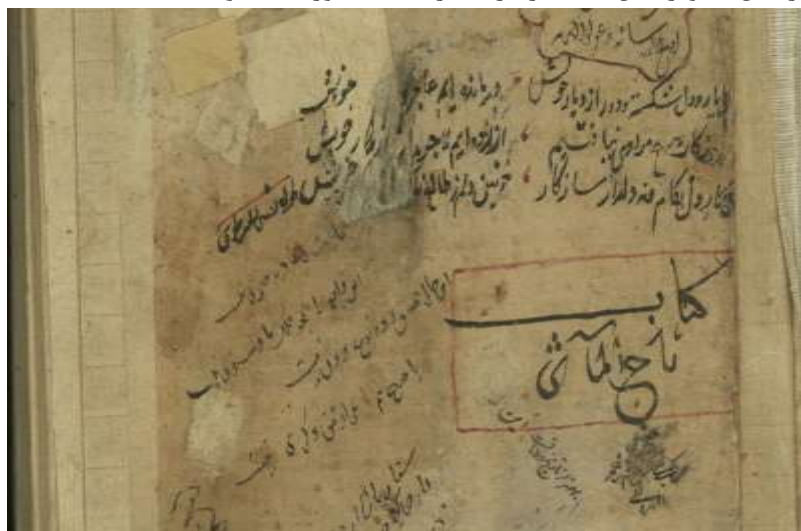
انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی چندان بقوّت نیست» (قمر در عقرب، رضا زاده ملک: ۱۲۴).

اما به هر روی با توجه به قدمت سفینه مجلس و تقدم آن بر نسخه مورّخ ۷۲۳ق، عجلتاً آن را از خواجه نصیر میدانیم. و فوق کُلّ ذی عِلْمٍ عَلِیمٌ. البتّه در تصحیح منظومه بالا حتماً می باید که از نسخه ای که آقای رضا زاده ملک منظومه را از آن نقل کرده اند بهره گرفت. همچنین مصراع دوم بیت: «نیک باشد نیک دیدار بزرگان و ملوک..» را از منظومه مذکور در مقاله آقای رضا زاده ملک افزودیم. ضمناً به جای رباعی آخر سفینه مجلس، در جنگ ۹۰۰ رباعی دیگری آمده است.

**در همان سفینه مجلس پس از منظومه فوق رباعی ذیل نیز به نام خواجه نصیر آمده است:**

ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود      نه نام ز ما و نه نشان خواهد بود  
زان پیش نبودیم و بُد هیچ خلل      زین پس که نباشیم همان خواهد بود  
(ص ۱۵)

۳- در صفحه نخست نسخه مورّخ ۷۲۹ هجری کتاب تاج المآثر نظامی سروده ای به نام خواجه نصیر آمده است، احتمالاً خط موجود در این صفحه نیز باید مربوط به همان قرن هشتم باشد. در ذیل تصویر عین نسخه را برای مزید فایده آورده میشود:



۴- مجموعه نظم و نثر، سده هشتم

این نسخه مورّخ ۷۵۰ق است و کاتب آن ابوالفضل بن محمد بن محمود بن علی بن سدید بن احمد و دربردارنده مطالبی به نظم و نثر فارسی و عربی میباشد، در آن دورباعی به نام خواجه نصیر آمده است:

چون بر سفریم ای پسر هیچ مگوی  
 احوال حضر در این سفر هیچ مگوی  
 ما هیچ و جهان هیچ و غم و شادی هیچ  
 میدان که نئی هیچ دگر هیچ مگوی  
 (گ ۸)

در تحقیقات پیشین رباعی مذکور نیز آمده است (شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الطوسی، اقبالی: ۱۲۳) و البته از منابع نسبتاً جدید نقل شده است، و ما اکنون مآخذ کهنی برای آن رباعی به دست آورده‌ایم. در *جنگ یحیی توفیق برگ ۸* و *مجموعه مورخ ۷۵۰* ق کتابخانه مجلس برگ ۱۶۹ و *سفینه سیدالهی برگ ۶۳* نیز این رباعی به نام خواجه نصیر آمده است. مصراع دوم در *جنگ یحیی توفیق* این صورت آمده است: «احوال حضر در این سفر هیچ مگوی».

جان این تن را که عاریت ز ارکان داشت  
 عمری به دمیش اوفتان خیزان داشت  
 چیزی که بنای او بُود بر بادی  
 انصاف از این بیش نگه نتوان داشت  
 (گ ۸۷)

در تحقیقات پیشین نیز این رباعی آمده است (شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الطوسی، اقبالی: ۱۱۴). می‌افزاییم که همچنین میتوان *مجموعه مورخ ۷۵۰* ق کتابخانه مجلس برگ ۸۷ را نیز به آن منابع پیشین این شعر خواجه افزود.

##### ۵- رَوْضَةُ النَّاطِرِ، سَدَةُ هَشْتَمِ

این مجموعه با ارزش که حاوی اشعاری به فارسی و عربی میباشد و در *سده هشتم عبدالعزیز بن ابی‌الغنائم کاشانی* آن را گردآوری کرده است، این *جنگ* از لحاظ احتمال بر اشعار شاعران بیدیوان مجموعه‌ای بسیار ارزشمند است (رباعیات خیام در منابع کهن، میرافضلی: ۹۶). یکی از کسانی که دیوانی از اشعار فارسی وی برجا نمانده است و در این *جنگ* پاره‌ای از سروده‌های وی آمده خواجه نصیر است، و از آنجا که *روضه الناظر جنگ* نسبتاً کهنی است باید اشعار و ضبتهای آن مورد توجه جدی قرار بگیرد. دو رباعی ذیل در این مجموعه ارزشمند به نام خواجه نصیر آمده است:

ننهاده به جهد هیچکس را ندهند  
 لکن به نهاده جز به جهدی نرسی  
 (گ ۱۰۷)

ای که همنام تو را بود خلافت به اساس  
 اول نصف دوم دار و دوم ثلث سوم  
 حرف نامت به یکی هست فزونتر ز حواس  
 چارم از پنجم و پنجم ز ششم باز شناس  
 (گ ۲۳۰)



که از راتبان انجمن با فروغ است  
اگر راست پرسید باری دروغ است  
(گ ۲۳۰)

ایا فاضلان و حکیمان عالم  
ز چیزی که جانم از آن زنده گردد

وان می که بدو ز غم نجاتست کجاست  
کش خاک به از آب حیاتست کجاست  
(گ ۲۴۹)

ساقی که چو حلوی نباتست کجاست  
آن آتش عقل سوز یعنی باده

### ۶- بیاض تاج الدین احمد وزیر، سده هشتم

درباره مشخصات این بیاض چنین نوشته‌اند: «در سال ۷۸۲ هجری قمری، تاج الدین احمد وزیر که هویتش برای ما نامعلوم است، از دانشمندان زمان خود خواست که برای او یادداشتهایی به خط و سلیقه خود به یادگار بنویسند. هفتاد تن دعوت او را اجابت گفتند و در موضوعات مختلف به نظم و نثر و به فارسی و عربی در بیاض تاج الدین یادداشتهایی قلمی کردند...» (رباعیات خیام در منابع کهن، میرافضلی: ۱۱۵)

اشعاری از خواجه نصیر در این بیاض هست که یک رباعی آن نویافته است و بقیه را هم میتوان سندی کهن برای آن اشعار خواجه نصیر در نظر گرفت. اینک آن اشعار:

تسلیم عنا را سپریم کنی  
دردست توچیست تاتوتسلیم کنی  
(بیاض، تاج الدین احمد وزیر: ج ۱/ ۳۴۷-۳۴۶)

هردم دل خود را چوسرمیم کنی  
آیاتوکه‌ای تاکه رضا‌ای] توبود

در تحقیقات پیشین (شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الطوسی، اقبالی: ۱۲۲)  
رباعی بالا چنین آمده است:

تسلیم قضاراسپریم کنی  
دردست توخود، که تاتوتسلیم کنی

هردم دل خودراچوسرمیم کنی  
آیاتوکه‌ای تاکه رضا‌ای] توبود

چاه زنخش نبینی از ره نشوی  
زنهاربدان رسن فروچه نشوی  
(بیاض، تاج الدین احمد وزیر، ج ۱/ ۳۴۷-۳۴۶)

زنهاردل‌باسته‌ای] آن مه نشوی  
درمستی اگرزلف بدست تودهد

### ۷- خلاصه الأشعار فی الرباعیات، سده هشتم

این رباعینامه ارزشمند در ضمن سفینه تبریز جای دارد و در قرن هشتم نوشته شده است. در این رباعینامه هفت رباعی به نام خواجه نصیر آمده است که جز یک رباعی ما بقی نویافته محسوب میشود. اینک آن رباعیات:

موجود به حق واجد اول باشد      باقی همه موهوم و مخیل باشد  
هرچیز جز او کی آید اندر نظرت      نقش دومین چشم احول باشد  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۵۳)

در تحقیقات پیشین (احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی، مدرس رضوی، ۱۳۷۰: ۶۲۰؛ شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الدین طوسی، اقبالی، ۱۳۷۰: ۱۱۵) مصراع نخست بیت آغازین را چنین نقل کرده‌اند: «موجود به حق واحد اول باشد».

زان بی‌خبرم که عشق را معنا چیست      زان نیز کی بر روی زمین عاشق کیست  
لیکن دمی از تو دور نتوانم بود      یک لحظه تو را ندیده نتوانم زیست  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۶۷)

ای پیش سمنزار رخت گل باطل      با یاسمن خط تو سنبل باطل  
در دور دو زلف همچو زنجیرت نیست      هم دور محال و هم تسلسل باطل  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۱۰۲)

آن بت کی قدش راست چو سروچمن است      اندر دهندش نهفته در عدن است  
من جای دهانش به اشارت از دور      پیموده‌ام آن نشان انگشت من است  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۱۲۵)

ای خواجه ما به خلق چیزی ندهند      وز بهر خدا به کس مویزی ندهد  
گر خلق به تیز او شود حاجتمند      از بهر بروت خویش تیزی ندهد  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۱۵۰)

من مسخره و مطرب و قالیبافم      کی لایق درس و منصب اوقافم  
موی زخم دو شاخ دانی که ز چیست      زیرا به زرخ موی همی‌نشکافم  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۱۵۰)

من تائب و روزه‌دار، یار آمد مست      با مطرب و با سماع می بر کف دست  
حالی به کجوک درشدم گفتم وای      زان توبه آهنین که چون شیشه شکست  
(خلاصه الأشعار فی الرباعیات، تبریزی: ۱۶۰)

۸- تاریخ گزیده، سده هشتم.

در یکی از نسخ تاریخ گزیده حمد الله مستوفی که بر اساس نظر مصحح فاضل کتاب میباید مورخ قرن نهم باشد یک رباعی به نام خواجه نصیر باشد چنین آمده است:  
خواجه نصیر طوسی میگوید:

هفتادوسه قوم درجهان میپویند      هریک برهان مختلف میجویند  
سررشته حق به دست یک طایفه است      باقی به خوشآمدی سخن میگویند  
(تاریخ گزیده، مستوفی: ۱۹)

### ۹- مجموعه کتابخانه پاریس، سده نهم

در این مجموعه ارزشمند که حاوی تعدادی رسائل و سروده‌های فارسی و عربی میباشد که در قرن نهم (با چند تاریخ متفاوت چون ۸۲۵ و ۸۵۲ ه.ق و...) نگاشته شده است، چند رباعی از خواجه نصیر دیده در این مجموعه نفیس دیده شد که در ذیل آورده میشود:

ترکیب طبایع از نبودی کم و کاست      صورت بستی که طبع صورتگر ماست  
بفزود و بکاست تا بدانی ره راست      کین عالم را مقدری کامرواست  
(گ ۴۳۳)

آنانکه در این دیر فنا می‌آیند      بس جایگهی نیست کجا می‌آیند  
کو آنکه خبر دهد به ناآمدگان      کانه‌ها همه رفتند چرا می‌آیند  
(گ ۴۳۳)

هم عقل که کوی تو نشان میجوید      هم وهم تو را گرد جهان میجوید  
ای مونس و جان دل عجب مانده‌ام      تو در دل و دل تو را به جان میجوید  
(گ ۴۳۳)

بشنو ز من ای زبده ارکان کهن      دل تنگ مشو زین فلک بیسر و بن  
در گوشه عرصه سلامت نشین      بازیچه چرخ را تماشا میکن  
(گ ۴۳۳)

ای دوست غم جهان فرسوده مخور      بیهوده نه‌ای تو غم به بیهوده مخور  
چون بوده گذشت و نیست نابوده پدید      خوش باش و غم بوده و نابوده مخور  
(گ ۴۳۳)

این رباعی اخیر در تحقیقات پیشین نیز آمده است (اشعار فارسی خواجه، نفیسی: ۷۸؛ شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الدین طوسی، اقبالی: ۱۱۷). البته مصراع دوم بیت اول در آنجا چنین است: «بیهوده همی غمان بیهوده مخور». همچنین رباعی بالا به نام خواجه نصیر در مجموعه اشعار، صفحه ۵۵۷ نیز دیده می‌شود

گر دهد در عافیت شش جزو دست      به بود آن شش ز ملک عالمی  
گوشه‌ای و توشه‌ای و خرقله‌ای      جرعه‌ای و طرفه‌ای و همدمی  
(گ ۷۳۶)

۱۰- مجموعه اشعار، متعلق به کتابخانه ملّی ملک، سده دهم

در این مجموعه اشعاری به قرار ذیل به نام خواجه نصیر آمده است:  
«نصیرالدین محمد طوسی گوید:

تاچاک زدم زعیش پیراهن دل      جز درد ندیدم از تو پیرامن دل  
تا لاجرم از دست توای دشمن دل [کذا]      درخون دودیده میکشم دامن دل

وقال ایضاً له:

امروز به کام دشمنانی ایدل      دور از بریار مهربانی ایدل  
من زین دو بلا سخت از آن می‌ترسم      بر باد دهی جان و جوانی ایدل

وقال ایضاً له:

هر چند و فابیش نمایی ایدل      خود را غم و درد می‌فزایی ایدل  
آری چو تو از خواب در آیی ایدل      آنگاه بدانی که کجایی ایدل

وقال ایضاً له:

ناگاه بدان لاله رخان دادم دل      کو بود سزای دل بدا ندادم دل  
تاظن نبری که رایگان دادم دل      جان خواست زمن، ز بیم جان دادم دل

وقال ایضاً له:

امروز منم نعره زنان از پی دل      برسرچوزنان دس تزنان از پی دل  
آواره زخان و مان روان از پی دل      جور همه ناکسان چشا از پی دل»  
(ص ۵۵۸)

در باره بیت «ناگاه بدان لاله رخان..» گفتن این نکته ضروری است که مصراع اول رباعی مذکور به این صورت در کشف الأسرار میبیدی آمده است:

ناگاه بدان لاله رخان دادم دل      او بود سزای دل از آن دادم دل  
(کشف الأسرار، میبیدی: ج ۴۳/۲)

در این صورت اگر واقعاً از افزوده‌های کاتبان بر کتاب کشف الأسرار نباشد باید پذیرفت که رباعی مذکور اصلاً از خواجه نصیر نباشد!

۱۱- سفینه سعد الهی، سده دهم

این سفینه حاوی اشعاری از شعرای فارسی از همان قرنهای پنچ و شش به بعد است، و از حیث داشتن اشعار شاعران بی‌دیوان بسیار حائز اهمیت است. تاریخ تألیف سفینه مذکور قرن هشتم

است، اما نسخهٔ مورد استفاده ما مورخ قرن دهم است. چند بیتی از خواجه در این سفینه دیده میشود که چنین است:

نه هر که بُود به عشق دیوانه بُود      نه هر مرغی سزای این دانه بُود  
صد قرن بگردد که نگردد پیدا      مردی که به نفس خویش مردانه بود  
(گ ۶۳)

این رباعی اخیر در تحقیقات پیشین نیز آمده است (شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الدین طوسی، اقبالی: ۱۱۷). در آنجا رباعی بالا به این صورت آمده است:

نی هر که بُود به عشق دیوانه بُود      نی هر مرغی سزای این دانه بُود  
صد قرن بگردد و نگردد پیدا      مردی که به نفس خویش مردانه بود

پسندیدست خاموشی و لکن      نه چندانی که گویندت که گنگی  
(گ ۶۳)

این بیت به همراه دو بیت دیگر در تحقیقات پیشین آمده است (شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الدینطوسی، اقبالی: ۱۳۴). اما در آنجا مصراع اول چنین آمده است:

خمش بودن نکو فضل است لکن      نه چندانی که گویندت که گنگی

چنین آمد قضای آسمانی      یکی را غم دگر را شادمانی  
(گ ۶۳)

مرد که فردوس دید کی نگرد خاکدان      وانکه به دریا رسید کی نگرد پارگین  
مه‌ره نگر گو مباش افعی مردم‌گزای      نافه طلب گو مزای آهوی صحرا نشین  
(گ ۶۳)

## ۱۲- تذکره بتخانه، سدهٔ یازدهم.

این تذکره تألیف محمد صوفی مازندرانی است. در آنابیات ذیل به نام «خواجه نصیر طوسی» آمده است:

جهان داند که چون عقل مجرد      تو هرگز کار نا زیبا نکردی  
(ص ۶۰۹)

و له:

هزار چشمه بجوشید و ما همان تشنه      هزار چاره بکردند و ما همان رنجور  
(همان)

و له:

یک سینه و صد هزار شعله  
غم‌های من اعتراض [؟] خویشان  
اندر دی و بهمین حوادث  
یک دیده و صد هزار باران  
احوال من اعتبار باران  
چشمم چو سحاب در بهاران  
(همان، صص ۶۱۰-۶۰۹)

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این نوشته آمد، متوجه این نکته می‌شویم که خواجه نصیر قطعاً اهل شعر و شاعری بوده و اشعار بسیاری سروده است. همچنین اشعار فارسی وی بیش از آن مقداری است که تا کنون در تذکره‌ها و دیگر کتابهای چاپ شده به او نسبت داده‌اند. بخش دیگری از سروده‌های او را با تتبع و تحقیق در کثیری از سفینه‌ها و جُنگها و... یافتیم و در این مقاله آوردیم، بیشک با کاوش در منابع دیگر میتوان به دیگر سروده‌های او دست یافت و مجموعه اشعار فارسی و عربی وی را در قالب کتابچه‌ای عرضه کرد.

### منابع

#### الف. چاپی:

۱. *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی*، مدرس رضوی، محمد تقی، ، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۰.
۲. *اشعار فارسی خواجه/نصیر*، نفیسی، سعید ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تیرماه، شماره بیست و نهم، صص ۸۱-۷۳، تیرماه ۱۳۳۵.
۳. *بیاض*، تاج‌الدین احمد وزیر، تصحیح علی زمانی علویجه. ۲ ج. قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۱.
۴. *تاریخ ادبیات در ایران*، صفا، ذبیح‌الله، چاپ هشتم، تهران: فردوس، ۱۳۷۸.
۵. *تاریخ گزیده مستوفی*، حمد الله، مصحح عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۶. *خلاصه الأشعار فی الرباعیات تبریزی*، ابوالمجد محمد بن مسعود، ۱۳۸۳، گنجینه بهارستان (مجموعه یازده رساله در ادبیات فارسی/شعر). به کوشش بهروز ایمانی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۷. *رباعیات خیام در منابع کهن*، میرافضلی، سیدعلی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۸. *شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین طوسی*، اقبالی، معظمه (اعظم)، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۹. قمر در عقرب، رضا زاده ملک، رحیم، ، نامه انجمن، شماره بیست و یکم، صص ۱۴۶-۱۱۱، بهار ۱۳۸۵.
۱۰. کشف الأسرار و عدة الأبرار، میبیدی، احمد بن ابی سعید، تصحیح علی اصغر حکمت، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱
۱۱. الوافی بالوفیات الصفدی، صلاح‌الدین خلیل بن أبیک بن عبدالله،، المَحَقَّق: أحمد الأرنؤوط وترکی مصطفی، ۲۹ جلد، بیروت: دار إحياء التراث، ۲۰۰۰/۱۴۲۰.
- ب. خطی:
۱. جنگ ۹۰۰، کتابخانه مجلس، کتابت در پایان قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم.
۲. جنگ یحیی توفیقی، دستنویس شماره ۱۷۴۱ کتابخانه بزرگ سلیمانیه، استانبول، مورخ ۷۴۵ق.
۳. سفینه، دستنویس شماره ۱۴۰۱۷، کتابخانه مجلس، [احتمالاً] قرن هشتم.
۴. سفینه، سید الهی، شماره ۱۴۴۳۲ کتابخانه مجلس. کتابت در قرن دهم.
۵. روضه الناظر و نزهه الخاطر، کاشی، عبدالعزیز، دستنویس شماره ۷۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق، ۳۰۴ برگ، شماره ۲۴۷ کتابخانه دانشگاه تهران.
۶. تذکره بتخانه، مازندرانی، محمد صوفی، دستنویس شماره ۴۵۳۵ کتابخانه مجلس، قرن یازدهم.
۷. مجموعه اشعار، دستنویس ش ۵۳۱۹ کتابخانه ملک، بدون تاریخ، سده دهم ق.
۸. مجموعه، شماره ۶۳۳ کتابخانه مجلس، مورخ ۷۵۰ق، ۱۶۲ برگ.
۹. مجموعه، کتابخانه ملی پاریس، شماره 3423، مورخ قرن نهم، ۸۴۸ برگ.